

صاحب امتیاز:

بسج دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد

http:// basfum.ir

شماره مجوز: ۹۴۳۴۶۰

مدیرمسئول و سردبیر:

محسن اصغری

اعضای تحریریه:

حمید باقری، علی اصغر علیرضایی، مصطفی جباری، علی اکبر قائمی پور، علی اسماعیلی، سیدمحمدرضا خاتمی، امیر باقری، محمد باقری.

طراح و صفحه آرا:

احمد قربانی پور، ابوالفضل عباسی



دو هفته نامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و صنفی بسج دانشجویی دانشگاه فردوسی، سال هشتم، نیمه دوم اردیبهشت ۹۵، شماره ۷۰

در گفت و گو با استادیار گروه هوافضای دانشگاه فردوسی مشهد: **موتور چیزی نیست که نتوان آن را تولید کرد.**



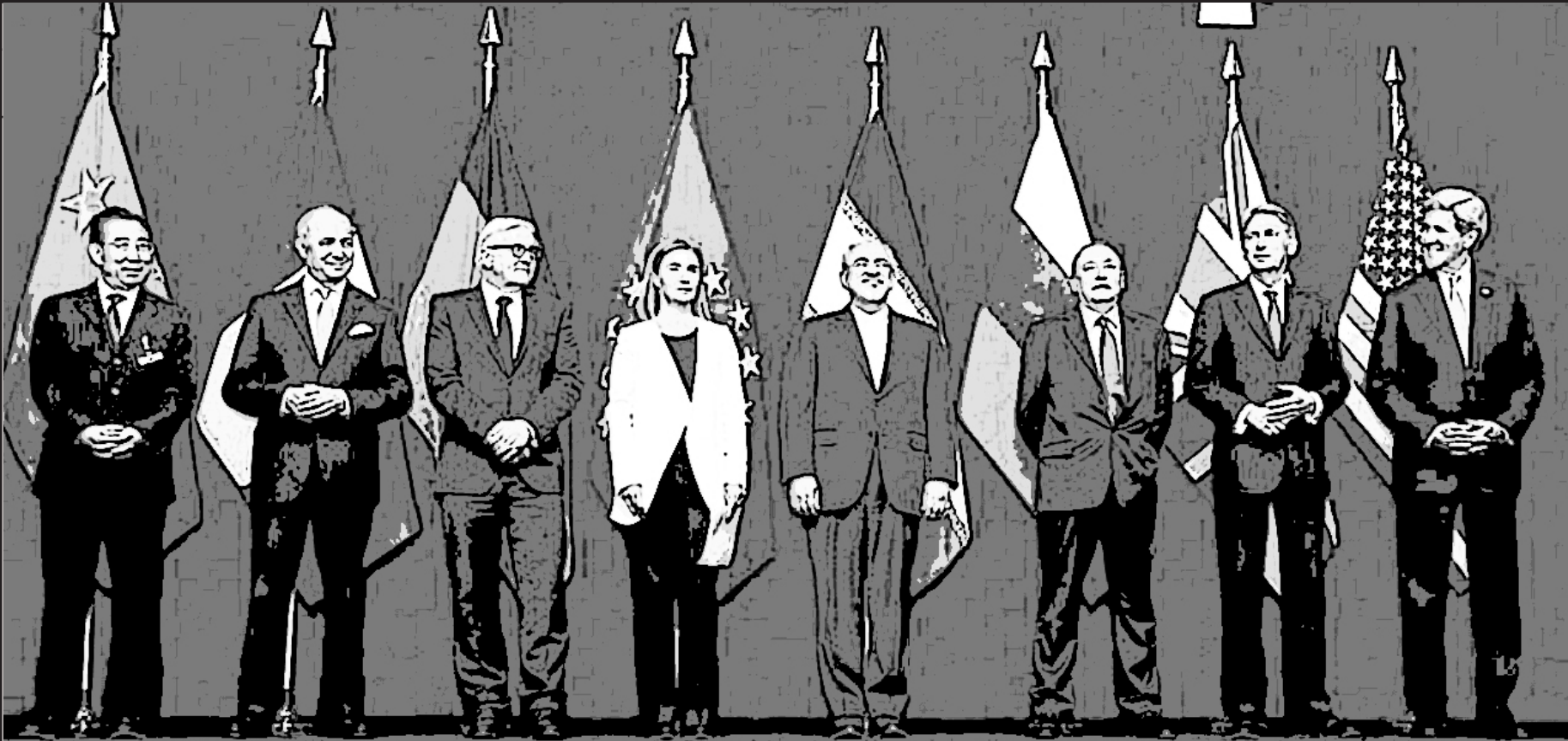
|به قلم محسن اصغری|

سخن نخست

اسلام انقلابی بمنابۀ اسلام رحمانی

«همین امروز باید کتاب مطهری را بازخوانی کنیم و معلمین ما باید برای جوانان ما تشریح کنند که ما انقلاب اسلامی داریم و در پی اسلام انقلابی نیستیم.» این عبارات بخشی از صحبت های رئیس جمهور محترم در مراسم گرامیداشت مقام معلم می باشد. این سخنان واکنش هایی را از سوی افراد و رسانه ها در پی داشت. بعد از شنیدن صحبت های آقای روحانی، در مورد اسلام انقلابی - که به گفته ایشان خطر بزرگی است - جست و جو کردم. شهید مطهری در رابطه با انقلاب اسلامی می فرمایند : «انقلاب اسلامی یعنی راهی که هدف آن اسلام و ارزش های اسلامی است و انقلاب و مبارزه، صرفاً برای برقراری ارزش های اسلامی انجام می گیرد و به بیان دیگر، در این راه، مبارزه هدف نیست؛ وسیله است» همچنین در ادامه در مورد اسلام انقلابی این طور بیان می کنند که : «عده ای میان انقلاب اسلامی و اسلام انقلابی اشتباه می کنند؛ یعنی برای آنها انقلاب و مبارزه هدف است؛ اسلام وسیله ای است برای مبارزه. اینها می گویند هر چه از اسلام که ما را در مسیر مبارزه قرار بدهد، آن را قبول می کنیم و هر چه از اسلام که ما را از مسیر مبارزه دور کند، آن را طرد می کنیم.» اما نکته مهمی که شبیه ها را از ذهن دور می کند این است که : «در اسلام، دستورات بیشماری وجود دارد که یکی از آنها مبارزه است». هر تعبیری از اسلام به تنهایی و مجزا مورد قبول نیست. همان گونه که اسلام رحمانی، تعریف جامعی از اسلام نیست و مردود می باشد، اسلام انقلابی هم تعریف درستی از اسلام نیست. در قرآن آمده است «اشدء علی الکفار رحماء بینهم» کسانی که با پیامبر هستند (مسلمانان) با کافران سختگیر و با یکدیگر مهربانند. در اسلام مفاهیم مختلفی وجود دارد که همه آن ها باید با هم مورد نظر باشد. نمی شود برای اغراض شخصی و گروهی خود، بعضی را قبول و بعضی را رد کرد. آری، اسلام انقلابی به تنهایی و با طبق تعریف شهید مطهری مورد قبول نیست، ولی به این معنی هم نیست که در اسلام اصلاً انقلاب و انقلابی گری وجود ندارد. نکته ای که عده ای از سخنان رئیس جمهور این گونه استفاده می کنند.

- مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، تهران ۱۳۶۸، ص ۵۷-۵۸
-سوره فتح آیه ۲۹



دستاوردها تاکنون برجام: «تقریباً هیچ»!

|به قلم سید محمدرضا خاتمی|

انقلاب چگونه استحاله می شود؟ (۱)

مسائل را درست تحلیل نمی کنید همیشه ابزار و آلت دست دیگرانید. «فریسه لائل»: تبدیل شده اید به شکاری برای شکارچیان ماهر. شما را می زنند و نمی فهمید از کجا خورده اید.

روایتی دیگر در جلد ۶۸ کتاب شریف بحار الانوار از حضرت امیر (ع) در مورد چنین جوامعی: (۳) «فرطتم فیما فیہ عزکم»: کوتاهی کردید در آنچه که در آن، عزت شما بود. چوری عمل شد که عزت در حوزه های مختلف مغفول ماند و تحقیر شدن، عادی شد. (۴) «و سعادتکم»: به فکر سعادت مردم تان نیستید در حالی که هدف تمام امور سعادت مردم است. به فکر منافع خودتان هم نیستید و می گوید حالا این مرحله بگذرد. (۵) «و قوتکم»: جامعه ی انقلابی باید یک جامعه ی قوی باشد کسی نباید به فکر تسلط بر شما بیفتد.

(۶) «علی من بغی علیکم»: کوتاهی شما در برابر کسانی بود که با شما دشمنی کردند.

(۷) «لا من ربکم تستحیون» (در حوزه ی روانشناسی اجتماعی): منکر خدا نیستید اما شرم نمی کنید (بی دین نیست اما کم کم بی شرم و بی غیرت می شود). (۸) «و لا لانفسکم تنظرون»: و نه غصه ی خودتان را می خورید و نگران سرنوشت خودتان هستید.

(۹) «و انتم فی کل یوم تضامون و لا تنتبهون من رقتکم»: هر روز به شما ستم می شود اما خود را به خواب زدید. چگونه بیدارتان کنم؟! (۱۰) «و لا تقضی فترتکم»: (فترت: سستی و وادادگی) گویا برای همیشه سست شدید و سستی تان پایانی ندارد.

(۱۱) «لا ترون الی دینکم بیلی؟» نمی بینید دین و ایمانتان نخ نما و پوسیده شده است؟! (۱۲) «و انتم فی غفله الدنیا»: رفتید به سمت اصالت دنیا و تمام حواستان به دنیااست و در نتیجه غافلید.

شاخص برای تشخیص جامعه ی انقلابی و غیرانقلابی شمرده شد که باید به مبارزه آنان رفت تا از استحاله جمهوری اسلامی جلوگیری شود.

فریب کاری، خود را انقلابی نشان می دهند و به درون انقلاب و قدرت سیاسی برخاسته از انقلاب رسوخ می کنند، اما اغراض و مقاصد ضد انقلابی را پی می گیرند و از پشت به انقلاب خنجر می زنند.

انقلاب اسلامی ایران نیز که از لحاظ ماهیت و غایات، پرتویی از نهضت انقلابی رسول اکرم (ص) است، مشمول همین حکم می شود. انقلاب اسلامی ایران، به تعبیر امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) هدیه ی غیبی و تحفه ی الهی بود؛ یعنی با امدادهای غیبی و الهی به پیروزی رسید؛ به طوری که تحولات شگرفی که در عالم درونی توده های مردم رخ داد، همگی مستند به لطف خداوند متعال بود، اما با این همه، این انقلاب نیز از سنت های اجتماعی الهی گریزی ندارد. بنابراین، سرنوشت انقلاب اسلامی ایران نیز وابسته به طریق و جهتی است که نیروهای انقلابی در پیش می گیرند؛ چنانچه آن ها بر طریق حق بمانند، همچنان از امدادهای خاص الهی بهره مند خواهند بود، و اگر طریق باطل اختیار کنند، مبتلا به غضب الهی خواهند شد. پس آینده ی انقلاب آن گونه صورت بندی می شود که اقتضاء و لازمه ی عمل نیروهای انقلابی است. تعالی یا انحطاط انقلاب، امری نیست که از بیرون، بر انقلاب تحمیل شود، بلکه وابسته به چگونگی عمل نیروهای انقلابی است.

در این نوشتار سعی می شود توصیف جامعه ای اسلامی را که دچار استحاله شده از منظر معرفت شناختی و از لسان امیر المؤمنین (ع) مطرح شود و آن شاء الله در شماره بعد نحوه مبارزه با تغییر سیرت و استحاله یک نظام اسلامی بررسی خواهد شد.

در توصیف یک جامعه ی ناآگاه در کلام حضرت امیر(ع) در خطبه ۱۴ نهج البلاغه خطاب به مردم بصره می خوانیم: (۱) «خفت عقولکم»: سبک عقل شدید. چیزهایی را می فهمید اما همه چیز را نه، یک جامعه ای که به ظاهر عاقل است اما درست نمی اندیشد یا همیشه نمی اندیشد. جامعه ی انقلابی جامعه ای است که از سمع و عقل درست استفاده می کند جامعه ای که هرچه اتفاق می افتد، ببیند و درست هم ببیند. بنابراین برای حفظ یک جامعه ی دینی و انقلابی می بایست کفه ی عقل را سنگین کرد. اگر یک ملتی درست بفهمند چه اتفاقی افتاده حتماً درست موضع می گیرند.

(۲) «سفہت حلومکم»: مغزتان اگر کار می کند سفیهانه کار می کند. مثل نادان ها تحلیل می کنید. در نتیجه «فانتم غرض لنابل»: نشانه ای برای تیراندازید. «اکله لاکل»: چون

سوال اصلی این است که آیا امکان دارد که قالب نظام جمهوری اسلامی باقی بماند ولی سیرت و محتوای آن عوض شود؟ آیا می شود جامعه ای را تصور کرد که دم از اسلام بزند اما بویی

از اسلام نبرده باشد؟ این همان مسئله ای که امام راحل عظیم الشان از آن به تقابل اسلام ناب محمدی (ص) با اسلام آمریکایی تعبیر کردند. البته دوگانه اسلام ناب و اسلام بدلی از صدر اسلام وجود داشته است. علامه شهید مرتضی مطهری، وضع ما را پس از پیروزی انقلاب اسلامی با وضع انقلاب صدر اسلام پس از نازل شدن سوره ی مائده در ماه های پایانی حیات رسول اکرم (ص) مطابقت می دهد. در آیه ای از این سوره آمده است که مسلمانان پس از این، نباید از غیر مسلمانان بر خود بپرازند، بلکه از خداوند بپرازند که به سبب تغییر خودشان، آن ها را دچار انحطاط نمایند:

الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ (مائده: ۳)

امروز کسانی که کافر شده اند از آکارشکنی در آ دین شما نومیزد گردیده اند. پس از ایشان مترسید و از من بترسید.

شهید مطهری به این آیه اشاره می کند و آن را دربردارنده ی اشاره به نوعی تهدید درونی برای جامعه ی اسلامی می شمارد که از نیروهای انقلابی و به طور کلی، از درون جامعه ی اسلامی برمی خیزد. هراس از خداوند به معنی هراس از سنت های اجتماعی قطعی اوست، و هراس از سنت ها نیز به معنی هراس از انحراف و کج روی خود است؛ زیرا سنت های الهی، قواعد کلی و استثناء ناپذیرند و خداوند، هیچ قوم و جامعه ای را از آن ها برکنار نمی داند و سرنوشت تمام اقوام و جوامع، در چارچوب آن ها رقم می خورد. در واقع، جامعه ی اسلامی بر اثر وقوع انقلاب اجتماعی، به آن چنان اقتدار و عظمتی دست یافته که کافران از اضمحلال آن مأیوس شده اند و از ناحیه ی آن ها، خطری مسلمانان را تهدید نمی کند، بلکه آن چه درخور توجه است و غفلت از آن می تواند جامعه را از مسیر اصلی اش منحرف سازد و انقلاب را با شکست و تلاشی رویرو گرداند، وقوع تغییرات ضد ارزشی در خود نیروهای انقلابی - یعنی مسلمانان - است. اگر مسلمانان از حق درگذرند و دچار انحراف و لغزش های بنیادی شوند، خداوند به سبب مسلمانانی شان، از آن ها نخواهد گذشت و از اجرای سنت های اجتماعی درباره ی آن ها خودداری نخواهد کرد، بلکه مطابق رویه های قطعی و تخلف ناپذیر، با آن ها همان گونه رفتار می شود که با سایر جوامع رفتار شده است.

موضوع نفوذ و استحاله، در درجه ی نخست به طبقه ی منافقان باز می گردد؛ اینان هستند که با زیرکی و

کارگاه تربیت سفیران اقتصاد مقاومتی

دکتر حجتا... عبدالملک

معاونیت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام

مبانی اقتصاد مقاومتی
دشن شناسی در اقتصاد انقلاب
خوانش متفقدانه اقتصاد متعارف
آشنایی با مبانی و عملیات در اقتصاد مقاومتی

✓ مدرک پایان دوره
✓ به هم راه پنداری و مهارت

زمان برگزاری: ۲۳ اردیبهشت ماه ۹۵
مکان: دانشگاه فردوسی مشهد

جهت شرکت در دوره (رایگان)
شماره تماس: ۰۵۱-۳۳۳۳۳۳۳۳
وبسایت: www.basfum.ir

لحظه های خوب بندگی

دلو نوشته ای پس از سه روز اعتکاف دانشجویی

پنج. معمولا در اعتکاف چند روحانی حضور دارند که افراد نزد آنان می روند و قرائت نمازشان را تصحیح می کنند. البته این ها علاوه بر مشاوره های مختلفی است که بچه ها در طول اعتکاف از روحانیون می گیرند.

شش. بسیاری از افراد را هم دیده ام که از فرصت اعتکاف نیمه ماه رجب استفاده می کنند به جای نیت روزه مستحبی نیت روزه قضای ماه رمضان را می کنند و با یک تیر دو نشان می زنند. هم روزه قضای ماه رمضان می کنند هم در مراسم اعتکاف شرکت می کنند.

خدا را شکر که بر این بنده کمترین خود منت نهاده که در چندین مراسم اعتکاف شرکت کنم. در مجموع حضور در جمع بچه مذهبی ها توفیقی است و سفرها و اردوهای که با آنان رفته ام به جرات می توانم بهترین روزهای زندگیم بوده است. قیصر امین پور در شعری که درباره دکتر شفیعی کدکنی سروده می گوید: «سه شنبه ها پایتخت جهان است». چرا که کلاس های درس وی با دکتر شفیعی سه شنبه ها بوده است. اما من با استفاده از شعر قیصر می گویم حضور در جمع بچه مذهبی ها پایتخت جهان است.

خدا را شکر توفیق نصیبم شده چندین بار در اعتکاف شرکت کنم. هر بار که به اعتکاف می روم با خودم می گویم بعد از افطار روز سوم مقداری بمانم و با بیشتر دوستان خداحافظی کنم و به عوامل اجرایی کمک کنم. اما هر دفعه عهد خودم را می شکنم.

در همین اعتکاف چند روز گذشته هنگام افطاری خوردن بعضی بچه ها داشتند می رفتند و بعضی دیگر هم وسایلشان را جمع و جور می کردند. پس از آن هم همه یا خداحافظی می کردند و یا وسایلشان را جمع و جور می کردند. لحظات خداحافظی خیلی سخت است اما با بچه های علیه رحمه و هم قطار سختیش دوچندان است.

این بار هم بغض گلویم را گرفت و داشت گریه ام می گرفت که این روزهای خوب تمام شد. تنها با دو سه نفر خداحافظی کردم و سریع از مسجد زدم بیرون.

چندین روز از اعتکاف می گذرد اما هنوز در فکر آن روزهای خوبم. به قول حافظ چان یاد باد آن روزگاران یاد باد

سه. در چندین اعتکافی که شرکت کرده ام بیشتر افراد معتکلف، افراد تحصیل کرده مذهبی بوده اند و آن ها چند قسم اند. یکی افراد مذهبی که بر اساس آموزه های دینی نظیر احادیث اولین باب از کتاب شریف کافی، باب فضل علم، و احادیث بسیاری که در فضیلت علم و عالم و متعلم آمده به سوی کسب علم می روند و پس از سال ها تحصیل در می یابند که این علمی که آنان خوانده اند نه تنها آنان را به خدا نزدیک نکرده بلکه حجابی هم هست در راه رسیدن به خدا. به همین جهت روی به مطالعه کتب دینی و شرکت در مجامع مذهبی و عمل بیش از پیش به فرایض می آورند تا به آرامش برسند. این همان مساله ای است که می گویند جامعه دانشگاهی ما بیش از هر گروه دیگر به سوی دین می رود.

دیگر اینکه افرادی که مطالعات دینی داشته اند و خود را به زیور عمل آراسته اند شرکت در مراسم را هم معمولا دو بار در سال یکی نیمه ماه رجب و دیگری سه روز آخر ماه رمضان جز برنامه خود قرار می دهند. بسیار افرادی را دیده ام که هر چه بر مراتب علمی شان افزوده شده بر میزان بندگی و تواضعشان در برابر حضرت حق افزوده شده است.

چهار. متأسفانه بسیاری از افرادی که به اعتکاف نمی روند، (روی سخن من به مذهبی هاست و به غیر مذهبی ها که با این امور بیگانه اند نمی باشد). دلیشان این است که اگر برویم اعتکاف وقتمان گرفته می شود و سه روز از برنامه هایمان عقب می مانیم (البته آن هایی که برنامه ریزی دارند). اما در این چند اعتکافی که رفته ام مشاهده کرده ام که افراد متناسب با حال و هوای اعتکاف برنامه ریزی کرده اند و حقد هم زیبا از وقت خود استفاده می کنند. چنانچه قسمتی از وقت خود را صرف ارتباط با خدای خود می کنند و مشغول خواندن نماز قضا و قرائت قرآن و دعا می باشند. قسمتی را صرف مطالعه می کنند. اما نکته ای که در اعتکاف هست گمده هاست. گمده های رفاقتی با طعم رشد. رشد اخلاقی، علمی، سیاسی و ...

یک. یک جامعه دینی کوچک را می شود در همین مدت بسیار کوتاهی که با بچه مذهبی ها در سفر یا در اعتکاف هستیم تجربه کنیم. در همین ایام اعتکاف نیمه رجب هر فردی حضور ندارد. تنها افرادی حضور دارند که زندگی دینی دارند و دین، حداقل در پس زمینه زندگی آن ها حضور دارد. خواه ناخواه چه در سفر چه در اعتکاف چند روز را باید با چندین نفر بگذرانیم. بسیاری از همین افراد دوستان ما هستند و در طول سال با این ها در ارتباطیم اما این که با آن ها زندگی کنیم در مقایسه با یک ارتباط کوتاه مدت طعمش بسیار فرق می کند.

دو. در اعتکاف ها آدمی با افراد بسیاری آشنا می شود، طرح دوستی می ریزد و از آنان بسیار می آموزد. که همین حضور در اعتکاف، نقطه آغاز آن دوستی های پربرکت بوده است. می گویند: می خواهی کسی را بشناسی یا در سفر بشناس یا با او زندگی کن. من چند تا از دوستان خوبم را در اعتکاف یافتیم. این عالم، عالم تاثیر و موثر است و چه نیکوست که آدمی از افراد اهل دین تاثیر بپذیرد.



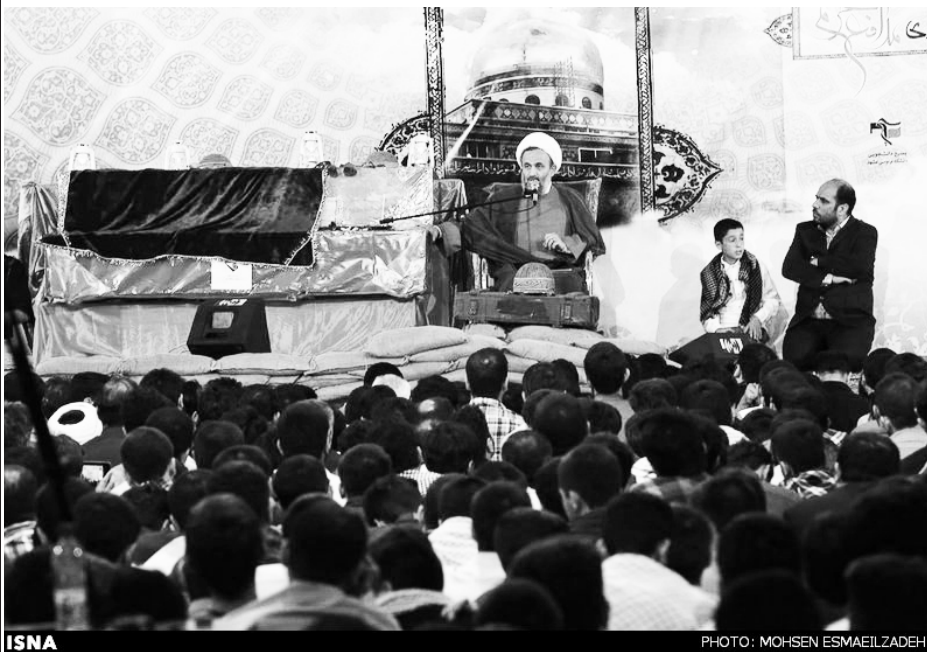
(ادامه از صفحه ۲)

۴-۲. کارایی «عقل»، چه به لحاظ کشف مصالح فردی و چه به لحاظ کشف مصالح اجتماعی، تنگ دامنه است. در اینکه نیروی عقل برای «تدبیرهای جزئی و محدود زندگی» ضروری و مفید است، بحثی نیست، اما در دایره کلی و وسیع، این گونه نخواهد بود. انسان قادر نیست طرحی کلی برای همه مصالح زندگی شخصی خود، که همه را دربرگیرد و منطبق بر همه مصالح زندگی او باشد، بریزد. اگر چه برخی مدعی خودکفایی انسان به واسطه ی برخورداری از عقل شده اند، اما حتی مفهوم «سعادت» نیز در ادبیات آن ها مبهم و مناقشه برانگیز باقی مانده، زیرا همچنان خود «انسان» و استعدادهایش ناشناخته باقی مانده است. بالاتر اینکه انسان موجودی اجتماعی است و در «زندگی اجتماعی»، هزاران مسئله و مسئله رخ می دهد که محتاج گره گشایی و علاج است تا سعادت جمعی حاصل آید. اگر مسئله ی «حیات ابدی» و جاودانگی روح و تجربه نداشتن عقل نسبت به جهان دیگر را به این پیچیدگی ها و تنگناها اضافه کنیم، مسئله بسی مشکل تر می شود. این است که عقل انسان متواضعانه اعتراف می کند که سخت محتاج هدایت و دست گیری بیرونی است؛ یعنی نیاز به یک طرح جامع و کلی و هماهنگ که کمال و سعادت انسان را به دنبال داشته که خطوط اصلی و روش ها، باید ها و نبایدها، خوب ها و بدها، هدف ها و وسیله ها و... را مشخص کرده باشد. دستگاه خلقت، این بزرگ ترین نیاز را مهمل نهاده و از افقی فراتر از عقل انسان، یعنی افق «وحی»، آن را برآورده ساخته است. به راستی نظام آفرینش، که نیازهای کوچک و غیرضروری را برآورده ساخته، چگونه ممکن است از ضروری ترین نیازهای انسان غفلت کرده باشد؟!

۱. عبدالکریم سروش، بسط تجربه ی نبوی، تهران: صراط، ۱۳۸۵.
۲. عبدالکریم سروش، بسط تجربه ی نبوی، تهران: صراط، ۱۳۸۵.
۳. مرتضی مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (۳): وحی و نبوت.
۴. مرتضی مطهری، ختم نبوت.
۵. مرتضی مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (۱): انسان و ایمان.
۶. مرتضی مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (۵): جامعه و تاریخ.
۷. مرتضی مطهری، ختم نبوت.

قاب

مراسم پنجمین سالگرد تدفین شهدای گمنام و وداع با دو شهید مدافع حرم در مسجد حضرت زهرا (س) دانشگاه فردوسی مشهد



ISNA PHOTO: MOHSEN ESMAEILZADEH

اندر احوالات اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولید داخلی



نقد کوچولوی فراستی به رئیس جمهور: آقای روحانی روز کارگر با ماشین ژاپنی «مپنا» نرو



نظر سنجی

اولویت شما به عنوان یک دانشجوی در سال ۹۵ چیست...؟

۱. کسب سابقه پژوهشی (اعم از مقاله ترجمه کتاب کارگاه آموزشی و...)
۲. قبولی در آزمون ارشد یا دکتری
۳. ایجاد یا ارتقای (فرزند آوری) زندگی مشترک
۴. کسب درآمد اقتصادی و ورود به بازار کار
۵. نقش آفرینی در عرصه های اجتماعی
۶. اولویت خاصی ندارم.

لطفا رشته و مقطع تحصیلی با ذکر جنسیت خود به شماره پیامک کنید.

مشقانه منتظر حضور گرمتان هستیم!

ارتباط با ما

مشتاقانه منتظر دریافت انتقادات، پیشنهادات و نظرات شما هستیم..

۰۹۳۶۸۹۹۶۴۳۹

gofteman.bas@chmail.ir